



Pathology of the Islamic Government's Agents in the Islamic Republic of Iran

Mojtaba Qanbardoust

Instructor, Department of Political Science, Imam Hassan Mojtaba Police University (Amin).
mojtaba.gh.3177@gmail.com

 0009-0007-4695-0035

Abstract

The efficiency of a government depends, more than anything else, on its agents. This article identifies the inefficiency of the government agents as one of the most significant obstacles to the realization of an ideal government in the Islamic Republic of Iran. Agents are the driving force behind all state affairs, including legislation, execution, management, adjudication, and oversight. Thus, the caliber of their thought and performance directly influences the efficiency -or inefficiency- of the political system. Using a "descriptive-analytical" approach, this study first examines the current state of "agents" in the Islamic Republic of Iran. The findings indicate that the most critical issues among both elected and appointed agents include a lack of necessary managerial expertise and skills, the absence of a merit-based appointment mechanism, the weak political culture among voters, deficiencies in election laws, and the ineffectiveness of party mechanisms. On the other hand, the characteristics of agents aligned with the ideals of the Islamic Revolution serve as an operational model for achieving an Islamic government, reflecting the desired state of agents in the Islamic Republic. Therefore, alongside moral and ideational integrity, the ideal agent can be described in two dimensions. First, an agent of the Islamic government should possess general managerial competence over an organization and its human resources, as well as the specific skills required for the managerial position they hold. Second, they should embody a culture of hard work, high-quality performance, and a spirit of perseverance. Additionally, the role of political parties is crucial in the success and appointment of agents in the Islamic Republic. Thus, the main and secondary questions of this study are: "What are the most significant issues facing the agents of the Islamic government in Iran?" and "What are the strategies for transitioning from the current state to the desired state of agents?"

Keywords: Islamic Government, Agent, Islamic Republic of Iran, Political Parties, Pathology.



مقاله پژوهشی**آسیب‌شناسی کارگزار دولت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران****مجتبی قنبردوست**

مدرس گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام حسن مجتبی پلیس (امین).

mojtaba.gh.3177@gmail.com

id 0009-00074695-0035

چکیده:

کارآمدی حکومت، بیش از هر چیز دیگر به کارگزاران آن بستگی دارد. این مقاله یکی از مهم‌ترین آسیب‌های عدم تحقق دولت (Government) مطلوب در جمهوری اسلامی ایران را ضعف در کارآمدی کارگزار می‌داند. کارگزار، پیش‌برنده همه امور دولت در تمام شئون قانون‌گذاری، اجرا، مدیریت، قضاوت و نظارت است؛ بنابراین این عبار اندیشه و عملکرد آن به کارآمدی یا ناکارآمدی نظام سیاسی می‌انجامد؛ بنابراین بر اساس روش‌های «توصیفی-تحلیلی» در این پژوهش ابتدا به وضعیت موجود «کارگزار» در جمهوری اسلامی پرداخته شده که یافته‌های پژوهشگر بیانگر آن است که مهم‌ترین آسیب در کارگزاران انتخابی و انتصابی، فقدان تخصص و مهارت لازم مدیریتی، عدم سازوکار مناسب مبتنی بر شایسته‌سالاری در انتصاب‌ها، ضعف فرهنگ سیاسی رأی‌دهندگان و خلأ قوانین انتخابات و ضعف سازوکار حزبی است. از سوی دیگر ویژگی‌های کارگزار در تراز انقلاب اسلامی به‌عنوان نسخه عملیاتی برای نیل به دولت اسلامی، وضعیت مطلوب کارگزار در جمهوری اسلامی را تداعی می‌کند. لذا در کنار سلامت اعتقادی و اخلاقی، ویژگی مطلوب کارگزار در دو وجه قابل تبیین است. اول این‌که کارگزار دولت اسلامی توانمندی عمومی مدیریت بر یک سازمان و منابع انسانی آن و به‌خصوص مهارت لازم مرتبط با تصدی آن حوزه مدیریتی را برخوردار باشد. دوم آنکه خصوصیت کار فراوان، با کیفیت و مجاهدانه در آن نهادینه شده باشد. البته ایفای نقش نهاد «احزاب» نیز در تصدی و توفیق کارگزار در جمهوری اسلامی بسیار مؤثرند. لذا سؤال اصلی و فرعی متن حاضر عبارت است از این‌که مهم‌ترین مسائل کارگزار دولت اسلامی در ایران چیست؟ و راهکارهای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در کارگزار چیست؟

واژگان اصلی: دولت اسلامی، کارگزار، جمهوری اسلامی ایران، احزاب سیاسی، آسیب‌شناسی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



Doi: 10.22034/irsj.2025.489744.1073

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

اینک دولت در ایران پس از گذراندن دوره‌های مختلف تمدنی و استبداد در دوره‌های قبل از اسلام و سپس دوره‌های اسلامی اعم از «عثمانی»، «صفویه»، «قاجار» و «پهلوی»؛ با فرصت بزرگ «انقلاب اسلامی» و بسترسازی مناسب سیاسی و اجتماعی می‌تواند نقطه عطف رشد مادی و معنوی و پیشرفت همه‌جانبه تمدنی در ایران شود. اگرچه تاکنون پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن آگاهی از موانع بسیار بر سر راه پیشرفت از جمله دشمنی و تحریم‌های بین‌المللی و علی‌رغم عدم انکار وجود پیشرفت‌هایی در نظام‌سازی و توسعه برخی از علوم تجربی در کشور، اما هنوز دولت در جمهوری اسلامی به‌عنوان دولت برآمده از انقلاب اسلامی، در تحقق تأمین معیشت و رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، سبک زندگی و الگوی اخلاق اسلامی، توسعه صنعتی و تکنولوژیک، بانکداری اسلامی، رشد اقتصادی، رفع تورم و بیکاری و ... با نارسایی‌ها و مشکلاتی مواجه است.

مسئله دولت‌سازی اسلامی پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، هنوز در شرایط فعلی یکی از ضروری‌ترین مسائل اساسی و کلان کشور بوده و رفع موانع آن، راهکار ویژه حل بسیاری از مشکلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور است. لذا از جمله موضوعاتی که در چهل سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره دولت مورد ارزیابی عوام و خواص قرار می‌گیرد و به‌طور مستقیم مردم در حوزه معیشت لمس می‌کنند، مسئله «کارآمدی» است که البته با توجه به ماهیت و پسوند «اسلامی» با انقلاب و نظام جمهوری در ایران؛ موجب افزایش انتظارات و توقعات جامعه از دین و دولت شده است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هجری شمسی در ذیل فرضیه تمدن نوین اسلامی، صریحاً از عدم تحقق دولت اسلامی در ایران سخن به میان آورده‌اند که از مفروضات این پژوهش به شمار می‌رود. لذا پژوهشگر بر آن شد تا به آسیب‌شناسی و دلایل این اتفاق مهم و حیاتی در عصر جمهوری اسلامی بپردازد.

چهارچوب‌های تئوریک که برای تحلیل رفتارهای دولت‌ها به روان‌شناسی شخصیتی رهبران سیاسی می‌پردازند، در واقع می‌پذیرند که پدیده‌های اجتماعی محصول افعال هدفدار کارگزاران هستند. بنابر این چنین رویکردی در خلق پدیده‌های بین‌المللی، رهبران سیاسی را به‌مثابه تصمیم‌گیرنده می‌دانند نه دولت‌ها را (Walker, 2015). باوجود اینکه در مفاهیم علوم سیاسی و همچنین در عرصه‌های کارکردی سیاست، تفاوت چندانی میان دولت و کارگزاران

آن وجود ندارد، پژوهشگر بر اساس پژوهش انجام گرفته، مسئله «ضعف در عملکرد کارگزاران» را به‌عنوان مهم‌ترین آسیب عدم تحقق دولت مطلوب در جمهوری اسلامی برمی‌شمارد و پرداختن به این مقوله را به‌عنوان یکی از ارکان پایداری و کارآمدی جمهوری اسلامی ضروری می‌داند.

چهارچوب نظری

به نظر می‌رسد برای واکاوی مسئله کارگزار، باید به بررسی نظریات مختلف در مورد دولت‌سازی پرداخت؛ نظیر نظریات «ماکس وبر»^۱ درباره بوروکراسی، «تدا اسکاچپول»^۲ درباره انقلاب و دولت‌سازی، «پیتر ایوانس»^۳ درباره دولت‌های توسعه‌یافته و «فرانسیس فوکویاما»^۴ درباره دولت حداقل و حداکثر. همچنین می‌توان مدل‌های مختلف دولت‌سازی (مانند دولت توسعه‌گرا، دولت رفاه، دولت نئولیبرال) را تحلیل کرد. البته اهمیت این بخش در مشخص کردن چهارچوب تحلیلی برای بررسی نقش کارگزار در فرایند دولت‌سازی است.

بررسی نظریات مختلف درباره علل و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی و سیاسی، مفاهیمی مانند فساد، رانت‌جویی، بی‌کفایتی و فقدان پاسخگویی و نظریاتی مانند نظریه انتخاب عمومی^۵، نظریه شبکه‌های قدرت و نظریه‌های مربوط به فرهنگ سیاسی در این بخش قابل استفاده هستند. نظریه‌های رفتار سازمانی در این مسئله به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار کارگزاران پرداخته و نظریه‌های انگیزشی (مانند هیزبرگ، مازلو)، نظریه‌های رهبری و نظریه‌های رفتار گروهی، تعهد سازمانی و عدالت سازمانی (توزیعی، رویه‌ای، تعاملی) می‌توانند در این بخش مورد استفاده قرار گیرند.

نظریه‌های مربوط به جامعه‌شناسی نیز به بررسی عوامل اجتماعی و ساختاری مؤثر بر مسئله کارگزار کمک می‌کنند؛ مانند:

❖ نظریه‌های مکتب فرانکفورت: بررسی نقش قدرت در ایجاد شرایط آسیب‌زا برای

کارگزاران؛

^۱. Max Weber

^۲. Theda Skocpol

^۳. Peter Evans

^۴. Francis Fukuyama

^۵. Public Choice Theory

- ❖ نظریه‌های نابرابری اجتماعی: بررسی رابطه بین نابرابری‌های اجتماعی و آسیب‌های کارگزاران؛
- ❖ نظریه‌های کنترل اجتماعی: بررسی نقش نهادهای اجتماعی در کنترل و کاهش آسیب‌های کارگزاران؛
- ❖ نظریه‌های روان‌شناسی: این نظریه‌ها در شناخت و تحلیل عواقب روانی آسیب‌ها کمک می‌کنند؛ مانند نظریه‌های سلامت روان و نظریه‌های یادگیری اجتماعی.

چهارچوب نظری پژوهش جاری با استفاده از نظریه انقلاب و دولت‌سازی اسکاچپول، نیازمند تمرکز بر چگونگی شکل‌گیری و تحول دولت در ایران و نقش کارگزاران در این فرایند است. اسکاچپول با تمرکز بر نقش قدرت دولتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و همچنین نقش ساختارهای دولتی در ثبات سیاسی، معتقد است که دولت‌ها در فرایندهای انقلابی و یا تغییرات بنیادین سیاسی به وجود می‌آیند؛ بنابراین ما در این چهارچوب به عوامل ساختاری و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری دولت در ایران و همچنین نقش کارگزاران در این فرایند توجه ویژه خواهیم داشت.

مبانی نظری با تمرکز بر نظریه اسکاچپول^۱:

۱. ساختارهای دولتی پیش از انقلاب: در بررسی ساختارهای دولتی ایران قبل از انقلاب و ضعف‌های آن، اسکاچپول تأکید می‌کند که ظرفیت کارگزار برای اجرای سیاست‌ها و توانایی مقابله با چالش‌ها عامل اساسی در موفقیت یا نابودی دولت است. این بخش باید به تحلیل ساختارهای دولتی پیشین، قدرت و ظرفیت کارگزار و نقاط ضعف ساختاری که موجب نابسامانی و مناسبت برای انقلاب شده است، بپردازد.

۲. انقلاب و تحول دولت: در تحلیل نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای دولتی و شیوه کارگزاران، به بررسی چگونگی استقرار یک ساختار دولتی جدید، انتقال قدرت و تغییر کارکردهای دولت در پی انقلاب توسط کارگزاران پرداخته می‌شود؛ اما نکته کلیدی در این بخش بررسی این موضوع است که آیا کارگزاران

^۱. رجوع کنید به: دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، اثر تدا اسکاچپول

در انقلاب به ایجاد یک دولت قوی‌تر و کارآمدتر منجر می‌شود یا برعکس، منجر به ضعف و نابسامانی دولتی می‌گردد.

۳. نقش کارگزاران در دولت جدید: بررسی نقش کارگزاران در دولت پس از انقلاب، شیوه انتصاب آن‌ها، نحوه عملکردشان و تأثیر آن‌ها بر عملکرد دولت و همچنین به عوامل مؤثر بر رفتار کارگزاران، مانند ایدئولوژی، روابط قدرت، ملاحظات سیاسی و اقتصادی پرداخته می‌شود. اسکاچپول بر نقش بوروکراسی و کارگزاران در تثبیت و یا تضعیف دولت تأکید دارد.

۴. آسیب‌شناسی کارگزاران: با استفاده از مبانی نظری اسکاچپول، باید به بررسی علل آسیب‌های کارگزاران، مانند فساد، رانت‌جویی، بی‌کفایتی و عدم پاسخگویی پرداخت. این آسیب‌ها بر عملکرد دولت و دولت‌سازی تأثیر مستقیم می‌گذارند و با عوامل ساختاری، فرهنگی و سیاسی مؤثر نسبت مستقیم دارند.

۵. رابطه میان آسیب‌های کارگزار و ناکارآمدی دولت: همچنین به بررسی رابطه بین آسیب‌های کارگزاران و عملکرد دولت می‌توان پرداخت که چگونه آسیب‌های کارگزاران موجب ناکارآمدی دولت و موانع در راه دولت‌سازی می‌شود.

با این حال رخ دادن پدیده‌ای همچون انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ای را به وجود آورد تا اسکاچپول نظریه‌هایش را بازبینی کند. بررسی مؤلفه‌ها و در حقیقت شاخص‌های انقلاب اسلامی، او را به این نتیجه رساند که «وجه تمایز مهم انقلاب ایران نسبت به سایر انقلاب‌های پیش از آن، اهمیت نقش ایدئولوژی و رهبری در بسیج مردم و وقوع انقلاب اسلامی است؛ «فرهنگ تشیع و اسلام سیاسی برآمده از آن، قرن‌ها در تاریخ ایران ریشه دوانده و به درختی سترگ تبدیل شده بود؛ بنابراین تفسیر و روایتی نو و انقلابی از آموزه‌ها و انگاره‌های آن برای مردم پذیرفتنی بود.» (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۲۱۴).

متغیرها

متغیر مستقل: در متغیر مستقل می‌توان از ویژگی‌های انقلاب اسلامی و ساختار سیاسی پس از انقلاب نام برد.

متغیر وابسته: قانون انتخابات، حزب، فرهنگ سیاسی جامعه و ... نیز از جمله متغیرهای وابسته در این پژوهش محسوب می‌شوند.

فرضیه

کارگزار در تراز انقلاب اسلامی برای تحقق دولت اسلامی با ترکیب تعهد و تخصص به نظارت بر کارگزار، اصلاح روند حزب برای نظارت و کادرسازی و روحیه انقلابی و کار جهادی نیاز ضروری دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش به روش تحقیق کیفی (توصیفی - تحلیلی)، روش گردآوری داده‌ها (مطالعه کتابخانه‌ای) و روش تحلیل داده‌ها (تحلیل استقرایی) می‌پردازد.

۱. کارگزار در وضعیت موجود

در وضعیت موجود به تفکیک به کارگزاران قوای مقننه و مجریه به شرح زیر پرداخته می‌شود.

۱-۱. کارگزار در قوه مقننه

اساساً یکی از ارکان مهم ایجاد دولت اسلامی، داشتن مجلس و نمایندگان در تراز دولت اسلامی است. هر اتفاق و حرکت مهمی در کشور برای حل مسائل مردم در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی مستلزم فعالیت و مشارکت هوشمندانه و هدفمند مجلس و نمایندگان آن در ابعاد مختلف مدیریتی، نظارتی، برنامه‌ریزی و حقوقی است؛ بنابراین منشأ تحولات کشور در قوانین و مصوبات مجلس است که می‌تواند اقدامات اجرایی قوه مجریه را قانونی، عقلانی و با پشتوانه کار کارشناسی تسهیل نماید. اگر قوه مجریه ابزار قانون در اختیارش نباشد، کار پیش نرفته و مشکلات به وجود خواهد آمد. لذا آن نهادی که ساختار و سازوکار قانونی لازم را در اختیار مدیران و کارگزاران برای عملکرد بهینه قرار می‌دهد، مجلس است.

اما رفتار برخی از نمایندگان، از نظر توجه به منافع ملی یا فردی در طول این چند دهه تغییر کرده است. گرچه روند تغییر ارزش‌ها، تغییر پایگاه‌ها و کاهش فاصله قدرت بر احساس

التزام به اصول انقلاب و منافع ملی تأثیر گذاشت، اما این تغییر در همه‌جا به یک نسبت و شدت نبود. تغییر فرایند احساس التزام، هرچند به‌صورت عام روی داده، اما میزان آن تا اندازه‌ای نیز تابع عوامل خاص بوده است و در تعدادی از آن‌ها کم و بیش احساس التزام به منافع جمع کاهش می‌یابد و توجه به منافع فردی و حوزه انتخاباتی بر منافع جمعی و ملی غلبه می‌یابد. به هر میزان که انسان بیشتر به این مسئله توجه می‌کند و می‌پردازد، بیشتر این احساس را به دست می‌آورد که این رفتار می‌رود که در مجلس، دیگر از حد یک رفتار استثنائی خارج شود و این خطر محسوس است که به یک فرهنگ غالب در مجلس تبدیل گردد (رفیع پور، ۱۳۹۳: ۷۱۰).

البته یکی از موارد مهمی که از جمله آسیب‌های قوه مقننه محسوب می‌شود، سطح تخصص و کارشناسی نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی است؛ زیرا قوه مقننه در جایگاه قانون‌گذاری نیازمند کارگزارانی است تا سرشته‌ای از مباحث کلان کشور در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و به‌ویژه حقوقی و حتی در مصادیقی از قبیل بودجه، برنامه توسعه و قانون اساسی آشنایی لازم را داشته باشند. البته پرداختن و بررسی این موضوع دو وجهی است؛ تخصصی شدن نمایندگان مجلس هم نیازمند اصلاح ساختاری در قانون انتخابات مبنی بر تخصصی کردن شرایط انتخاب‌شوندگان است و هم مقوله‌ای است که ارتباط مستقیم با دموکراسی و انتخاب مستقیم مردم دارد تا بدنه کارشناسی مجلس ارتقا یابد.

۲-۱. کارگزار قوه مجریه

در ادامه آسیب‌شناسی کارگزار در جمهوری اسلامی، پرداختن به کارآمدی رئیس جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی در دولت اسلامی برابر قانون اساسی از جمله ضروری‌ترین مباحث است. رئیس جمهوری اسلامی ایران مسئولیت بودجه و بودجه‌ریزی برای سایر قوا و همه نهادهای مدیریتی و حاکمیتی کشور را که از ارکان و ابزار مهم مدیریتی برای اداره کشور است برعهده دارد.

«همه کشورهای عالم و همیشه این‌طور است که قانون‌گذاری به‌تنهایی فایده ندارد. قانون‌گذاری به‌تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریع قانون بایستی قوه مجریه‌ای به وجود آید. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاه‌ها را اجرا می‌کند و ثمره قوانین و

احکام عادلانه، دادگاه‌ها را عاید مردم می‌سازد. به همین جهت اسلام همان‌طور که قانون‌گذاری کرده، قوه مجریه هم قرار داده است» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۵).

{اما} رؤسای جمهور محترم ایران باید بپذیرند که تاکنون یک مدل و نقشه جامع برای نجات ایران نداشته‌اند؛ چگونه می‌توان از یک شخص که تا حالا به شغل دیگری مشغول بوده و بعد به توصیه دوستانی که برخی از آن‌ها از وضعیت موجود ناراضی، برخی «تصور سطحی» از یک مدیریت بهتر جامعه و بدون هیچ تجربه، مطالعه علمی قبلی و آمادگی برای احراز یک مسئولیت مهم برانگیخته می‌شود، انتظار داشت که یک نقشه جامع علمی و عملی برای اداره کشور بسیار پیچیده مانند ایران داشته باشد (رفیع پور، ۱۳۹۳: ۶۹۳).

علاوه بر نداشتن برنامه جامع برای کشور در انتخابات، حتی هیئت وزیران نیز مشخص نیستند؛ یعنی هنوز نمی‌دانند این شعارهایی که در دوران تبلیغات مطرح نموده‌اند، با کدام وزیر اقتصاد یا وزیر خارجه یا وزیر صنعت و جهاد کشاورزی می‌خواهند عملیاتی نمایند. رؤسای جمهور منتخب پس از کسب اکثریت آرای مردم، تازه به دنبال انتخاب وزرای کابینه آن هم از میان اطرافیان خود می‌روند. در بین گزینه‌های مختلف برای تصدی وزارت، از آنان می‌خواهند تا ظرف یک هفته برنامه‌ای برای اداره امور وزارتخانه مورد نظر با احتساب شعارهای دولت جدید بنویسند تا با تطبیق برنامه‌های نگارش شده توسط گزینه‌های پیشنهادی وزارت با شعارهای تبلیغاتی خود و البته با در نظر گرفتن شدت لابی مشاوران خود به گزینه نهایی برای تصدی وزارت به‌عنوان کارگزار ارشد در دولت می‌رسند.

۱-۳. سازوکار حزبی در جمهوری اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ایران، کارکرد احزاب سیاسی از انحصار و وابستگی به دربار شاه درآمده و با یک نگاه مثبت از سوی رهبران انقلاب مواجه گردید که همین امر سبب تشکیل حزب «جمهوری اسلامی» توسط کارگزاران ارشد نظام، افرادی مانند آیت‌الله دکتر بهشتی، حجت‌الاسلام دکتر باهنر، آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی شد.

اما اکنون در جمهوری اسلامی، احزاب در موضع منفعلانه به‌صورت فصلی، صرفاً در ایام انتخابات عمل کرده و در سایر ایام سال کارکرد حزبی حرفه‌ای خود را به فراموشی می‌سپارند. نه در آگاهی بخشی سیاسی به جامعه صادقانه می‌کوشند و نه برای کسب کرسی‌های قدرت

به صورت تخصصی کادرسازی می‌کنند. به جای اینکه احزاب دست به پرورش کارگزاران مختلف برای تصدی کرسی‌های هیئت وزیران یا نمایندگی مجلس و حتی ریاست جمهوری بزنند، منتظرند تا شخصیت کاریزمایی ظهور کند تا با تبلیغات پرهیاهو و زحمت کمتر پیروز انتخابات شوند. البته به طور کلی، کار جمعی و تشکیلاتی در جامعه ایران نیز از دیگر آسیب‌های عدم رونق در تحزب است.

لذا بر اساس دیدگاه جامعه‌محور نسبت به توسعه، متغیر مهم، سازمان بخش و فعال در عرصه‌های سیاسی، «احزاب» می‌باشند که متأسفانه ضعف‌های مذکور در احزاب کنونی ایران - اگر بپذیریم که واقعاً حزب هستند - وجود دارند. البته این کاستی‌ها مربوط به امروز نبوده و حتی در برخی ویژگی‌ها قبل از پیروزی انقلاب شاهد چنین وضعی بوده‌ایم (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

برخی از کارشناسان معتقدند که امید زیادی بر شکل‌گیری احزاب در ایران نیست و عنوان می‌دارند: ما به دلایل فرهنگی و تاریخی به سختی می‌توانیم تحزب داشته باشیم. از دلایل عدم شکل‌گیری احزاب در ایران این است که به دلایل فرهنگی ما به کار گروهی علاقه نداریم و یا پذیرش ولایت احزاب، سخت است. از جهت تاریخی هم ملت ایران ذهنیت خوبی نسبت به احزاب ندارد. در ابتدای انقلاب، عده‌ای ضد حزب بودند و حالا بعد از ۴۰ سال سه جریان سیاسی به وجود آمده که اعتدال هم اضافه شده است اما در هر یک از این جریان‌ها، جنگ ۷۲ ملت است.

۴-۱. آسیب‌شناسی کارگزار

پس از انقلاب مشروطه، مکاتب و ایدئولوژی‌های سکولار با پشتیبانی بخش‌هایی از جامعه نخبگانی و مدیریت سیاسی، متکفل اداره کشور و دستیابی به اهداف آن شدند؛ اما مواجهه با بحران‌های مختلف، بازگشت به خویشتن اسلامی، تکوین و پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام دینی را به دنبال داشت. این امر خود تجربه‌ای نو در عرصه مدیریتی نظام‌های سیاسی جهان بود؛ در حقیقت مسیر تاریخ سیاسی معاصر دگرگون شد و آموزه‌های وحیانی اسلام در متن تغییرات بنیادین جامعه، نقش اصلی را بر عهده گرفت (آرنت، ۱۳۷۷: ۳۲).

اداره جامعه به تخصص عمیق نیاز دارد. مشکل نیروی انسانی مورد نیاز انقلاب در دو سطح خواص و عوام قابل طرح است. از یک سو افراد متفکر و برجسته پس از پیروزی انقلاب درگیر کارهای اجرایی شدند. برخی از آن‌ها پس از مدتی به وسیله ترور از صحنه فکری و سیاسی حذف گردیدند. کمبود اشخاص نظریه پرداز هوادار انقلاب به تدریج به ضعف نظری هم دامن می زند، چرا که فرصت بهره جویی از نظرات هم فکran ایجاد نمی شود (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

یکی از اولین و مهم ترین اقدامات حساب شده دشمن، ترور نیروهای متفکر نظام جمهوری اسلامی بود، از جمله آقایان مطهری، مفتاح، باهنر، قرنی، بهشتی و عده زیادی از همکاران ایشان که به کمک گروه های مخالف انجام گرفت. از این طریق نه فقط نیروهای متفکر اسلامی از بین رفتند، بلکه قدرت سازمانی کشور نیز بسیار تضعیف شد (رفیع پور، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۶). گرچه خوشبختانه باز هم افراد متفکر وجود داشت یا به وجود آمد و هنوز هم افرادی که دارای قدرت تفکر و هوش بالا و در عین حال از پویایی لازم نیز برخوردار باشند، وجود دارند؛ اما در هر صورت خلأ متفکرین اولیه انقلاب ضربه مهمی بود.

یکی از تجربه های موفق و بزرگ کارگزاران با مؤلفه های انقلابی، پیشرفت در عرصه های نظامی، هسته ای، فناوری نانو و سایر حوزه های علمی است. با وجود تمام تحریم های فلج کننده که قطعاً در حوزه های موشکی و هسته ای چندین برابر تحریم های اقتصادی بوده است؛ میزان پیشرفت های به دست آمده قابل مقایسه با حوزه اقتصادی نیست. لذا به نظر می رسد یکی از عوامل تمایز و تفاوت نتایج در دو حوزه مذکور، به حوزه مدیریت و کارگزار ارتباط مستقیم دارد که توانسته با اتخاذ تدابیر و استفاده از امکانات موجود از ظرفیت نیروی انسانی مستعد و متخصص بهره برداری نماید.

در کشوری که توانایی ساخت موشک کروز و هایپرسونیک با بالاترین سطح تکنولوژی در حوزه هوافضا وجود دارد، با اذعان کارشناسان با دسترسی به چنین سطح تکنولوژی، ساخت هواپیما را دست یافتنی می کند؛ اما چگونه است که هنوز در ساخت و طراحی صنعتی خودرو و حتی مصرف سوخت آن که به لحاظ سطح تکنولوژی بسیار پایین تر از سطح تکنولوژی موشکی است، درمانده ایم؟ آیا برنامه ریزی برای به کارگیری و هدایت نیروی متخصص جوان

در حوزه‌های صنعتی و کشاورزی برای ارتقای تولید ملی پیچیده‌تر از کار علمی سنگین در صنایع هوا فضا، غنی‌سازی هسته‌ای، نانو و سلول‌های بنیادی و لیزر است؟

بنابراین به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود وجه اشتراک نیروی انسانی متخصص و فعال، تفاوت در کارگزاران و نوع مدیریت، موجب این تفاوت فاحش گردیده است. البته شایان ذکر است یکی از نکاتی که در تحلیل این مسئله قابل توجه است، موضوع انتخابی بودن یا انتصابی بودن مدیران و کارگزاران دو حوزه است. مدیران در تمام حوزه‌های پیشرفت یاد شده در بالا با انتصاب مسئولیت و مدیریت امور را برعهده می‌گیرند، اما در غالب حوزه‌هایی که کشور در حال حاضر دچار مشکل و مسئله است، مدیران و کارگزاران ارشد آن مانند رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، استانداران، شوراها، شهر و روستا و شهرداران با دموکراسی و رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم انتخاب و روی کار می‌آیند.

محقق با آگاهی از اینکه ورود به مسئله دموکراسی می‌تواند باب دیگری در آسیب‌شناسی کارگزار در جمهوری اسلامی باز نماید، به هیچ عنوان معتقد به شیوه‌های غیردموکراتیک در انتخاب کارگزاران مزبور نیست؛ اما در راستای آسیب‌شناسی کارگزار در جمهوری اسلامی، این تفاوت به‌طور واقع‌بینانه در عملکرد مدیران منتصب و منتخب وجود دارد که نیازمند ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه و اصلاح ساختار و سازوکار قانونی برای انتخاب و انتصاب کارگزاران متخصص و متعهد مبتنی بر پیشنهادات گذشته است.

اما به نظر می‌رسد آسیب‌های مهم کارگزار در جمهوری اسلامی با دسته‌بندی زیر قابل تبیین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

الف. ذهنیت وابسته

ذهن وابسته در کارگزار درکی از خودباوری و خوداتکایی نداشته و نگاه واقع‌بینانه و امیدآفرینی به نقاط قوت ندارد و اساساً به بزرگنمایی نقاط ضعف و القای ناامیدی و خودکم‌بینی می‌پردازد و به اصطلاح مرغ همسایه را غاز می‌پندارد. خطای محاسبه و تحلیل در چنین کارگزاریانی موجب غفلت آنان از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخل شده و البته وابستگی را از ملزومات و راهکارهای اساسی توسعه جوامع می‌شمارند. لذا همواره شعار «ما نمی‌توانیم» از ذهن و زبان آنان می‌تراو شد. ذهن وابسته در حالت خوش‌خیم به دنبال تقلید

مطلق از مدل‌های توسعه غربی است که به دلیل عدم توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی در تجربیات بشری سایر جوامع ابرتر می‌ماند.

مسئله وابستگی فردی که به صورت حصارى مانع از اندیشه و تفکر مستقل گشته، بسیار جدی و عمیق می‌باشد. لازم است توجه داشته باشیم که وابستگی فکری غیر از داد و ستدی در وادی اندیشه بوده و ناظر بر جریان یک سویه اطلاعات، اهداف و تجزیه و تحلیل‌ها است. «ذهنیت وابسته» اثریبه نظام پیشین بوده و به جهت علل مختلفی همچنان مانع سرعت بخشی به فرایند خود آگاهی و خویش‌نواوری در عرصه فاعلیت و کارگزاری برای ایجاد تغییرات متناسب با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و تحقق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گردیده است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

کارگزاری عبارت است از توانایی و تلاش کنشگر در جهت انجام کنش آگاهانه به‌منظور نیل به اهداف خود، لذا این کنش حاصل تفکر آگاهانه بازیگر است (آجیلی، ۱۳۹۹: ۶۴). از سوی دیگر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تجربه شورای انقلاب، نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و اکنون رهبری، می‌تواند علاوه بر تعیین تراز کارگزار در دولت اسلامی، آسیب‌های کارگزاران به‌عنوان موانع نیل به دولت اسلامی را به‌خوبی تبیین نماید. لذا ایشان عناوینی مانند عدم باورمندی به توان داخلی را به‌عنوان یکی از آسیب‌ها مطرح می‌نمایند.

«واقعاً بنده به‌عنوان مسئولی که در این جایگاه قرار دارم، یکی از مشکلات اساسی خود من در زمینه بسیاری از این کارها، ذهن [مسئولانی است که] مخاطبینم هستند؛ یعنی آن‌هایی که با من همکاری می‌کنند که من از این‌ها می‌خواهم که مثلاً شما تولید ملی را پیش ببرید یا اقتصاد مقاومتی را مثلاً فرض کنید که چه بکنید؛ من مشکل با ذهن این‌ها دارم. ببینید، اینکه ما می‌گوییم که به توان ملی، توان داخلی، آن اقتدار حقیقی داخلی تکیه کنید نه به بیرون و خب همه هم می‌گویند بله منتها عمل نمی‌شود، چرا؟ چون مشکل ذهنی وجود دارد یعنی باور نیست» (خامنه‌ای، خط حزب‌الله: ۱۲۷).

ب. ضعف در قدرت تفکر

مدیریت مطلوب و کارآمد سیاسی همواره یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان و نظام‌های سیاسی است. در نظریه‌پردازی‌های جدید روش مدیریتی و «چگونه اداره کردن» را محور

اصلی تحقق اهداف تأمین نیازهای اساسی جوامع بشری و ارزش‌های مطلوب آنان و نیل به سعادت می‌دانند. تحولات اجتماعی یک قرن اخیر ایران، مبین تلاش فکری و عملی نخبگان و بخش‌های مختلف جامعه در جهت نیل به این هدف بوده و در این چهارچوب قابل تحلیل است.

اما از جمله مشکلات اساسی کارگزار در جمهوری اسلامی، عدم توزیع قدرت تفکر، متناسب با مسائل سازمانی است. در نظام اداره یک کشور، سطوح مختلفی از مسئولیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها وجود دارد. هرچه از قاعده هرم سازمانی و هرم نظام به طرف بالا و رأس می‌رویم، اهمیت و پیچیدگی مسائل مورد تصمیم‌گیری بیشتر می‌شوند و حل مسائل به قدرت تفکر بیشتری نیاز دارد. گاه ملاحظه می‌شود که در برخی از بخش‌های فوقانی هرم افراد ضعیفی قرار گرفته و برخی از زیردستان آن‌ها در سطوح پایین‌تر سازمانی، اشخاصی متفکرند که باید از رؤسای کم‌تدبیر فرمان برند.

مسئله کشور ما در درجه اول یک مسئله‌ای است که به قدرت تفکر احتیاج دارد. مسئله اقتصاد کشور با تولید ۱۰۰۰ نفر لیسانسه اقتصاد حل نمی‌شود. مسئله اقتصاد و دیگر مسائل ما مانند سنگ‌های بزرگ نیستند که ۱۰۰ نفر یا ۱۰۰۰ نفر کمک کنند آن را بلند کنند. قدرت تفکر در اینجا افزایشی نیست و با هم جمع نمی‌شود. اگر ما یک استاد اقتصاد واقعاً متفکر، زبده و با تجربه عملی داشته باشیم، احتمال حل مسئله بیشتر خواهد بود؛ ما برای حل مسائلمان به قدرت تفکر احتیاج داریم و با گسترش مراکز آموزش علمی و دادن درجات و افزایش تعداد لیسانسه‌ها و دکتری‌ها به این هدف نمی‌رسیم. برای گسترش قدرت تفکر و کسب علم در کیفیت باید اقدام اساسی انجام دهیم (رفیع‌پور، ۱۳۹۲: ۴۷۱).

پ. عدم شایسته‌سالاری

شایستگی و صلاحیت کارگزاران با اندیشه‌های بنیادین، اهداف نظام، نوع جایگاه و نقش‌ها در درون ساختارها، مرتبط است و همه مدیران جهت انجام بهینه کارویژه‌های خود، لازم است از مهارت‌های مختلف مدیریتی همانند مهارت‌های فنی و تکنیکی، انسانی، ادراکی یا تفهیمی و شناختی برخوردار باشند (حقیقی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). هرچند خصوصیت و میزان هرکدام از این نقش‌ها و مهارت‌ها بستگی به نوع نظام سیاسی و سلسله‌مراتب سازمانی دارد اما کارگزاران

شایسته و وجود مدیران ذیصلاح در موقعیت‌ها و ساختارهای حکومت، از دیگر عوامل مهم در تحقق کارآمدی نظام‌های سیاسی است؛ زیرا «هیچ عنصری نمی‌تواند جایگزین شخصیت مدیر گردد و این امر در همه سطوح جاری است. بین بودن یا نبودن رهبری لایق، تفاوت بسیار است. حتی اگر بهترین نظام‌های مملکت‌داری وجود داشته باشد» (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۷۷).

مسئولیت‌ها و مشاغل مدیریتی در برخی از کارگزاران دولت در سطوح مختلف، بر اساس میزان روابطشان با روسای بالادستی، نمایندگان مجلس یا احزابی که در مسند قدرت‌اند، تعیین می‌شود. بدیهی‌ترین نتیجه آن عدم شایسته‌سالاری و به مذهب رفتن تخصص و تجربه‌گرایی در مدیریت‌ها و اعوجاج در سیاست‌گذاری و سرانجام ناکارآمدی است. لذا خلأ، ابتکار، نظریه‌پردازی، تولید علم، مدیریت دانش و کار جهادی از جمله آرزوهای دور و درازی است که از کارگزاران انتظار خواهد رفت. البته موضوع فرهنگ سیاسی و عدم انتخاب تخصصی و غیر اولویت‌مند کارگزاران در انتخابات نیز در همین راستاست که درجای خود بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

به نظر می‌رسد در مرحله نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضعف‌های نظری از اهمیت و تأثیرگذاری منفی بیشتری برخوردارند، درحالی‌که به‌مرور زمان هر چه از آغاز پیروزی، فاصله بیشتری می‌گیریم، عنصر عمل و میدان آزمون تبدیل ایده‌ها به عمل و اجرا، اولویت بالاتری نسبت به ضعف نظری می‌یابد، زیرا از یک زمان به بعد نیاز به «مدیریت» مراکز تولید فکر و اندیشه در دانشگاه و حوزه به‌صورتی خلاق و متناسب با نیازهای جامعه، به‌صورت طبیعی نمودار می‌گردد. به این ترتیب به‌تدریج تأثیرات متقابل منفی میان «اندیشه» و «عمل» زمینه‌ساز بروز تردیدهایی در اصل قابلیت و امکان تشکیل حکومت اسلامی و جامعه دینی (قرآنی) می‌گردد (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

حضرت علی^(ع)، چگونگی به خدمت گرفتن کارگزاران را این‌نه بیان می‌نماید:

- در استخدام کارکنان و فرمان‌روایان شفاعت و وساطت کسی را مپذیر؛ مگر شفاعت شایستگی و امانت‌داری آنان را (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

- گماردن افراد پست و نوکیسه بر حکومت‌ها، نشانه نابودی و عقب‌گرد آن‌هاست (غرالحکم، ج. ۳: ۲۹۵).

بنابراین، کارگزاری که چه به صورت انتصابی و چه به صورت انتخابی روی کار می‌آید، اگر مؤلفه‌های مورد نیاز یک مدیر یا کارشناس را دارا نبوده و به لحاظ فکری و ذهنی آمادگی پذیرش آن مسئولیت را نداشته باشد و صرفاً با روابط مختلف سیاسی و اقتصادی به کرسی قدرت و مدیریت دست یازیده است؛ قطعاً موجب اختلال در روند اداره جامعه خواهد شد. حتی اگر در آن نظام بهترین قوانین و ساختار سیاسی ترسیم و نهادینه شده باشد، به علت عدم باورمندی به کار و تلاش برای حل مشکلات، امکان اجرای سیاست‌های کلان و خرد بدون کارگزار شایسته وجود ندارد.

ت. اهمیت انتخابات در تعیین کارگزار

انتخابات به عنوان تجلی دموکراسی، در حال حاضر تنها راه مشارکت مردم در انتخاب کارگزاران دولت برای اداره جامعه است. مردم با هر سازوکار مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند کارگزار یا حزب مورد نظر خود را برگزینند. در دموکراسی اکثریتی که در بیشتر جوامع رواج دارد، حزب یا کارگزاری که بتواند آرای اکثریت مردم را با تبلیغات انتخاباتی مبنی بر معرفی و اعلام برنامه‌های خود جذب نماید، کرسی‌های قدرت سیاسی را در دست می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین نهادهایی که کارگزاران آن‌ها با انتخابات روی کار می‌آیند، شامل رئیس قوه مجریه و نمایندگان پارلمان در کشور هستند که نوع انتخابات و توزیع قدرت در آن‌ها تعیین‌کننده مدل‌های حکومتی ریاستی و پارلمانی می‌شود.

نوع مسالمت‌آمیز مشارکت، همان حضور در پای صندوق‌های رأی و انتخاب از میان گرایش‌های متنوع است. اما آنچه به مردم قدرت انتخاب می‌دهد، آگاهی و بینشی است که امکان تمیز حق از باطل، سره از ناسره و حقیقت از مجاز را فراهم می‌آورد. عنصر آگاهی در اینجا بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، زیرا بدون آن اساساً آرای اکثریت و تفویض حق حاکمیت و قدرت سیاسی هیچ معنایی نخواهد داشت (کاظمی، ۱۳۷۷: ۲۱). انتخابات یک رفتار سیاسی و اجتماعی است که ارتباط مستقیمی با میزان فرهنگ سیاسی در جامعه دارد. هرچه میزان فرهنگ سیاسی مردم ارتقا یابد، در نتیجه کارگزار منتخب آن‌ها نیز متناسب با نیاز کشور از ظرفیت و تخصص لازم برای تصدی امور برخوردار است. در جمهوری اسلامی رئیس

جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند.

نگارنده بر این نظر است که بخش زیادی از مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور با روی کار آمدن کارگزاران متخصص و متعهد در نهادهای یاد شده در بالا مرتفع خواهد شد. به‌طوری که کارگزار کارآمد در مجلس شورای اسلامی با توجه به حوزه اختیاراتی که در قانون اساسی دارد می‌تواند بسترهای قانونی و ریل‌گذاری‌های لازم را برای حوزه اجرا توسط رئیس جمهور منتخب فراهم نماید. تمام برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی در کشور از نقطه آغاز تا پایان مستلزم اقدام مناسب و کارایی کارگزاران در قوای مجریه و مقننه است.

بنابر این انتخابات می‌تواند نقطه آغاز ایجاد دولت مطلوب با روی کارآوردن کارگزاران متعهد و متخصص باشد؛ در صورتی که جامعه با عقلانیت و هوشمندی دست به انتخاب صحیح بزند. به‌عنوان نمونه در شرایطی که مردم از وضعیت بد اقتصادی رنج می‌برند، در انتخابات مجلس شهرهای بزرگ، کسانی منتخب می‌شوند که اساساً اقتصاد نخوانده و نمی‌دانند و صرفاً بر اساس زد و بندهای اقتصادی و سفارش‌های سیاسی در لیست نامزدها قرار گرفته‌اند؛ بنابراین بدیهی است که نتیجه چنین انتخابات مهمی ناتوانی در تحول جدی برای رفع دغدغه‌های اقتصادی جامعه است.

در انتخابات شوراهای اسلامی شهر در مراکز استان‌ها، برخی از افراد حائز اکثریت آرا می‌شوند که نه تنها هیچ تخصصی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ندارند، بلکه دچار سیاست‌زدگی مفرط می‌باشند. در صورتی که همه آحاد شهروندان در انتظار پیشرفت‌های خیره‌کننده شهری در تراز شهرهای مدرن دنیا هستند. لذا اصلاح امور و ایجاد دولت مطلوب با مشارکت مسئولانه مردم در انتخابات ارتباط مستقیم و رابطه لازم و ملزوم دارد و با دست روی دست گذاشتن و انتخاب نادرست در دموکراسی هیچ مشکلی از مشکلات جامعه حل نخواهد شد.

لذا با توجه به پیشینه فرهنگی - تاریخی چند هزارساله شاهنشاهی در ایران که همه نگاه‌ها، تدابیر و انتصاب دولتمردان برای اداره کشور به یک نفر دیکتاتور منتهی می‌شد، پس از انقلاب اسلامی و توزیع قدرت و چینش سیاسی، باورمندی به انتخابات و فرصت مشارکت در تعیین

سرنوشت برای ملتی چنین نوپا، سخت است. نهادینه نشدن اهمیت انتخابات در حل مشکلات کشور، بی‌اعتمادی به کلیه کارگزاران منتخب و ناامیدی از اصلاح امور توسط انتخابات، ناشی از فقر فرهنگ سیاسی جامعه است که در رفتار انتخاباتی آنان بروز می‌کند.

۲. وضعیت مطلوب

کارگزار در تراز انقلاب اسلامی

ایجاد تحول معنوی و معرفتی، تغییر در روش و منش کارگزاران، مهم‌ترین عوامل تحقق کارگزار در تراز اسلامی و سپس دستیابی به دولت مطلوب اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای با بیان ویژگی‌های کارگزار تراز اسلامی در موارد متعددی از کارگزاران مطالبه رشد معنوی، معرفتی و رعایت دستورات و توصیه‌های اسلامی به منظور تحقق دولت مطلوب اسلامی دارند (نصیرزاده و علیرضایی، ۱۴۰۱: ۱۶۲). اگر بنا بر رشد و تربیت یک کارگزار و به‌کارگیری مطلوب او در مسئولیت‌ها داشته باشیم، باید از لحاظ سلامت اعتقادی و مبانی فکری و باورها اطمینان حاصل شود.

با عنایت به اینکه در آموزه‌های اسلامی و نظام اسلامی مؤلفه‌هایی برای اداره‌کنندگان و کارگزاران جامعه اسلامی ذکر نموده‌اند که به لحاظ دانشی، بینشی، رفتاری و اسلام‌شناسی از نقش و جایگاه قابل تأملی برخوردار است. بر این اساس در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» است و برابر اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد که واجد شرایط زیر باشد: «ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» و رئیس قوه قضائیه نیز لازم است بر مبنای اصل ۱۵۷ قانون اساسی، «مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر» باشد و از کارگزاران دیگر نیز انتظار می‌رود به تناسب موقعیت شغلی و مسئولیت خود در تراز اصول قانون اساسی مزبور واجد شرایط باشند.

اگر تخصص و کارآمدی در دو وجه شناسایی شوند، وجه اول به حوزه مدیریت (سازمانی، اداری و منابع انسانی) اختصاص دارد و وجه دوم، به توانمندی در رشته تخصصی

مربوطه ارتباط می‌یابد. به عنوان نمونه، کارگزاری در سمت وزیر اقتصاد، نیازمند آگاهی و توانایی در حوزه‌های مدیریت و اقتصاد است؛ زیرا برای اداره مطلوب وزارتخانه، داشتن هر دو وجه ضروری می‌باشد و هر یک بدون دیگری موجب نقصان در کارآمدی کارگزار خواهد بود. در نتیجه برای تأمین وجوه کارآمدی در کارگزاران، مقوله شایسته‌سالاری در انتخاب یا انتصاب یک کارگزار متخصص و متعهد اهمیت زیادی می‌یابد.

«در طول تاریخ تا زمان معاصر، همه حکومت‌ها و زمامداران، چنین می‌کردند و کارهای حکومتی به دست متخصصان و صاحبان فن، جریان می‌یافته است» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۹۸). حضرت علی^(ع) مقدم داشتن افراد ناشایست در قبال افراد شایسته را زمینه افول و نابودی حکومت معرفی می‌نماید و شرایط ویژه انتصاب کارگزار را این چنین تبیین می‌کنند:

«آنان را بر اساس شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازات نابه‌جا، آنان را به کار نگیر ... در انتخاب این افراد هرگز به فراست و خوش‌بینی و خوش‌گمانی خود تکیه مکن؛ چرا که مردان زرنگ، جلب نظر و خوش‌بینی زمامداران را با ظاهرسازی و تظاهر به خوش‌خدمتی خوب می‌دانند؛ درحالی‌که در ورای این ظاهر جالب، هیچ‌گونه امانت‌داری و خیرخواهی وجود ندارد؛ بلکه آن‌ها را از راه آنچه حکومت صالح قبل از تو داشته‌اند بیازمای؛ بنابراین به کسانی اعتماد کن که در میان مردم، خوش‌سابقه‌تر و در امانت‌داری معروفند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

قانون محوری نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌های کارآمد شدن کارگزار در تراز دولت مطلوب است؛ یعنی کارگزاران در مدیریت خود ضوابط را به‌جای روابط، برنامه‌مندی را به‌جای سلاقی شخصی و کار کارشناسی را به‌جای کار دستوری جایگزین می‌نماید. قانون محوری یعنی حرکت کلی کارگزاران قوای سه‌گانه در چهارچوب سیاست‌های کلان ابلاغی و برنامه‌های توسعه کشور باشد. قانون محوری یعنی پابندی کارگزاران قوه مجریه به مصوبات قانونی مجلس و پرهیز از هرگونه اعمال نظر شخصی یا جناحی در مسائل ملی و بین‌المللی.

دولت در جمهوری اسلامی ضمن نوپایی و فقدان تجربه مشابه در عصر حاضر که دارای مبانی دینی، اهداف، ساختار و کارویژه‌های متفاوتی با نظام‌های سیاسی معاصر می‌باشد. همانند بسیاری از دولت‌ها با چالش و مسئله کارآمدی مواجه است. هرچند جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت و هویت دینی خویش، وظایف سنگین‌تری در قبال هدایت، رشد و تعالی

جامعه اسلامی داشته و بر آن است تا الگویی جدید متناسب با نیازهای واقعی جامعه و تحقق حیات طیبه با عنوان «دولت اسلامی» به سایر جوامع معرفی نماید. لذا تطبیق جهت گیری ها، اعمال و رفتار کارگزاران نظام با معیارهای اسلامی، مهم ترین و ضروری ترین بحث در مسیر شکل گیری دولت اسلامی است؛ چرا که بدون تحقق آن، دستیابی به شاخص های دولت اسلامی امکان پذیر نخواهد بود.^۱ چنین موضوع مهمی به هیچ وجه مسئله ای صرفاً به عنوان توصیه ای اخلاقی در سطح فردی نیست و کلیت دولت اسلامی و مجموعه کارگزاران فعال در آن در مسیر حرکت به سوی تحقق دولت اسلامی مطلوب نسبت به انجام این وظیفه، رسالتی مهم بر عهده دارند.

بنابر این در اندیشه آیت الله خامنه ای کارگزار تراز اسلامی باید در فرایندی که ایشان آن را تحول معنوی و معرفتی یاد می کنند، دارای روش و منش حقیقتاً اسلامی شوند که می توان ویژگی های یک کارگزار مطلوب را در چهار بُعد اعتقادی، معنوی، اخلاقی و رفتاری دسته بندی نمود. اعتقادات سالم و صحیح به اهداف و آرمان های انقلاب عنوان اساس و پایه تمام خصوصیات رفتاری و عملکرد کارگزاران را تشکیل می دهد. رابطه معنوی ویژه با خداوند متعال موجب جلب عنایات الهی در پیشبرد امور، بروز اعتقادات فرد و خلیقات پسندیده در عرصه اجتماعی و عملکرد مسئولانه، جهادی و رفتار عفیانه و به دور از تزویر خواهد شد (نصیرزاده و علیرضایی، ۱۴۰۱: ۱۸۵).

۳. گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب

۳-۱. نظارت بر کارگزار

نظام و دولت اسلامی در راستای تحقق اهداف عالی خود باید به عملکرد کارگزاران خویش اهتمام داشته باشند؛ زیرا سوء عملکرد و ناکارآمدی کارگزاران بر رفتار جامعه اثر مستقیمی دارد به میزانی که برخی معتقدند تأثیر کارکردی حکام بر رفتار جامعه، از تأثیر والدین در فرزند نیز بیشتر است. حتی می توان ناکارآمدی کارگزاران را عامل اساسی عدم تحقق دولت اسلامی در جمهوری اسلامی برشمرد. بنابر این علاوه بر راهکارهایی نظیر شایسته گزینی در انتصابات، وظایف مردم در انتخابات و فعالیت مطلوب احزاب برای رفع آسیب کارگزار در

۱. رجوع کنید به بیانات آیت الله خامنه ای؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

دولت، موضوع نظارت بر کارگزار نیز یکی از سازوکارهای حفظ و ارتقای عملکرد کارگزار در تراز دولت مطلوب است.

«نظارت دارای اقسام متعدد بوده و بر حسب موارد استعمال، مصادیق متعددی می‌یابد. در برخی از موارد نظارت به‌گونه‌ای است که در ابتدا نظام سیاسی با گماردن افراد مورد اطمینان و یا با محدود کردن زمانی تصدی افراد در پست‌های سیاسی و اجرایی از خودکامگی و سوءاستفاده احتمالی آنان جلوگیری نمایند» (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۳۷). نظارت بر کارگزاران در حوزه‌های مختلف مالی، سیاسی و عملکردی می‌باشد که در صورت غفلت هم از سوی کارگزار و هم از سوی ناظرین می‌تواند ناکارآمدی و فساد در حوزه‌های مدیریتی را به بار آورد.

«نظارت درونی اقتضا دارد که صاحبان قدرت بر اساس ویژگی‌های معنوی خود، دست به فساد و تباهی نیالوده و در راه تأمین عدالت گام برداشته و رضایت خداوند و مردم را بر آسایش خود مقدم دارند. نظارت درونی که به معنای مراقبت شخص از خود در برابر فساد و گناه است به‌واسطه صفات و ملکاتی حاصل می‌شود که انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت در خود ایجاد می‌کنند» (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). «مقوله نظارت درونی با نظارت بیرونی قابل جمع بوده و ترکیب این دو با یکدیگر، اطمینان از عدم ورود حاکم و کارگزاران در فساد و سوءاستفاده را افزایش داده و درصد اطمینان را بالا می‌برد» (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۷۶).

البته دولت و جامعه نمی‌تواند به امید کسب صفات و ملکات معنوی از سوی کارگزاران معطل بماند؛ لذا بهترین راهکار انتصاب افرادی است که از ابتدا شایستگی و مؤلفه‌های لازم برای نظارت درونی در تصدی امور را داشته باشد.

همچنین نظارت مستقیم جامعه بر اعمال تک تک کارگزاران در جوامع بزرگ امروزی میسر نبوده و دسترسی آحاد جامعه به کارگزاران، محدود بوده و کارگزاران نیز اساساً به لحاظ زمانی نمی‌توانند برای اطلاع از مشکلات مردم و شنیدن نقطه نظرات تمامی مردم شخصاً وقت بگذارند و تجربه جوامع بشری به تدریج آن‌ها را به سمت طراحی سازوکارهای جدید برای نظارت مردمی هدایت کرد و از این‌رو به این نتیجه رسیدند که نظارت همه‌جانبه توسط نمایندگان مردم در قالب نهادهایی خاص صورت پذیرد.

نهاد حسبه به‌عنوان یکی از سازوکارهای نظارتی در نظام‌های سیاسی گذشته، به‌مرور با پیشرفت جوامع و تخصصی شدن امور، دچار تحول شده و به نهادهای تخصصی مختلف تبدیل شده است. لذا جمهوری اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست و نهادهای مختلفی را برابر قانون اساسی برای مقوله نظارت بر کارگزار ترسیم نموده که هرکدام به‌صورت تخصصی بر افراد و نهادهای خاصی نظارت می‌کنند.

توازن قدرت در توزیع اختیارات قانونی و نظارت کارگزاران قوا و نهادهای حاکمیتی بر یکدیگر می‌تواند خود نوعی نظارت بر کارگزاران را محقق سازد، مانند کسب رأی اعتماد از نمایندگان مجلس، تنفیذ رئیس جمهور، نظارت بر عملکرد قوا توسط رهبری، نظارت شورای نگهبان، سازمان بازرسی کل، ضابطین قضایی، احکام دیوان عدالت اداری، تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از نهادهای دولتی و حق سؤال و استیضاح نمایندگان از رئیس جمهور و وزرا و بسیاری دیگر که می‌تواند در صورت تنفیج قانون و البته اجرای صحیح و کامل آن، هر آنچه اهداف نظارت بر کارگزاران است محقق سازد و از طرفی بیم آن می‌رود که تعدد نهادهای نظارتی نظام سیاسی را دچار غیرچابکی، روند اجرایی کشور را کند و دولت را دچار بوروکراسی بعضاً زائد گرداند.

همچنین در مکانیسم‌های غیردولتی در خارج از ساختار سیاسی یاد شده در بالا، از جمله مکانیسم‌های غیردولتی را می‌توان رسانه‌های گروهی مانند نشریات و مطبوعات برابر اصل ۲۴ قانون اساسی و صدا و سیما، جمهوری اسلامی برابر اصل ۱۷۵ قانون اساسی دانست. احزاب، گروه‌ها و انجمن‌های صنفی، دینی و سیاسی برابر اصل ۲۶ قانون اساسی شناسایی می‌شوند. اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اصل ۲۷ قانون اساسی به شرط آن که محل مبانی اسلام نباشد، آزاد اعلام می‌شود. حتی شوراهای کارگری برابر اصل ۱۰۴ قانون اساسی برای تأمین قسط اسلامی و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی مشروعیت می‌یابد.

۳-۲. حزب؛ نهاد نظارت و کادرسازی

حزب در معنای عام خود همانا «گردهمایی افرادی است که درباره برخی مسائل، دیدگاه‌های مشترک دارند و می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک، با هم کار کنند»

(عالم، ۱۳۸۷: ۳۴۳). موریس دوورژه می‌گوید: «حزب گروه شهروندانی است که آرمان مشترک و منافع ویژه‌شان، آنان را از گروه بزرگ‌تر که جامعه ملی است، مشخص می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و یاری مردم، می‌کوشند قدرت دولتی را در کشور به دست گیرند یا اینکه با این قدرت شریک گردند» (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). لذا احزاب یکی از مصادیق نهاد کارگزار هستند.

در کشورهایی که دارای نظام حزبی جا افتاده‌ای هستند، احزاب سیاسی به‌عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند. احزاب سیاسی روش عقلایی نظارت بر قدرت بوده و برای جلوگیری از استبداد احتمالی حاکمان، حزب امری پذیرفته شده و تجربه شده است و به جوامع غیر اسلامی اختصاص ندارد (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). از سوی دیگر، هدف مستقیم احزاب سیاسی، فتح قدرت یا شرکت در اجرای آن است. احزاب سیاسی در پی آنند تا کرسی‌های انتخابات را به چنگ آورند. دارای نمایندگان و وزایی باشند و حکومت را به دست گیرند (دوورژه، ۱۳۷۸: ۴۲۷).

اعضای حزب، حاکمان را رقیب سیاسی خود دانسته و درصدد هستند که با نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران دولت و نمایاندن، برای خود جایگاه بهتری کسب کرده و مقدمات را برای انتخابات آینده فراهم نمایند (فاضلی، ۱۳۷۷: ۳۹۳). احزاب سیاسی یکی از نهادهای مهم جامعه مدنی در مشارکت مردم در حکومت به شمار می‌آیند. البته احزاب علاوه بر کار ویژه‌های عمومی از قبیل تجمیع و انعکاس مطالبات مردم، آموزش سیاسی مردم، تربیت و کادرسازی برای اداره مناصب دولتی، دارای یک وجه تمایز نسبت به دیگر نهادهای مدنی می‌باشند و آن اختصاص کسب قدرت به‌عنوان هدف در آنان است؛ اما علی‌رغم آنکه احزاب می‌توانند کمک‌های شایانی در رفع و حل بحران مشارکت در جامعه نمایند، به نظر می‌رسد مهم‌ترین کارکرد آنان در راستای توسعه سیاسی جوامع، مقوله نظارت تخصصی بر دولت است.

لذا باید یک سیستم کنترل قوی وجود داشته باشد که احزاب ایران در مسیر منافع ملی حرکت کنند و نه آنکه با به دست آوردن اکثریت با شعارهای تحمیق‌کننده، منافع گروهی، فردی و امتیازاتی که از بیرون می‌گیرند را بر منافع ملی ترجیح دهند. باید از ابتدا جوانان مناسب برای آن حزب جست‌وجو شوند تا بر اساس توانمندی‌هایشان به‌تدریج در

سلسله‌مراتب آن حزب رشد کنند و برای هر مسئولیت آماده شوند و بعد از اثبات توانمندی و کسب تجربه مسئولیتی در سطوح پایین‌تر به سطحی بالاتر ارتقا یابند و برای مسئولیت‌های مهم‌تر ساخته شوند (رفیع‌پور، ۱۳۹۳: ۷۲۴).

بنابراین برابر ظرفیت قانونی اصل ۲۶ قانون اساسی که در خصوص فعالیت آزادانه احزاب تصریح می‌کند:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند؛ مشروط به اینکه اصول اقتصاد، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در آن‌ها مجبور ساخت.»

علاوه بر ایراداتی که بر سوءعملکرد احزاب و در نتیجه تأثیر آن بر ضعف عملکرد کارگزاران در ایران وجود دارد، حزب در حوزه رفع آسیب‌های کارگزار در جمهوری اسلامی و گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌تواند در سه حوزه نقش اساسی ایفا نماید؛ ❖ حزب می‌تواند کادرسازی نموده و کارگزار متخصص و متعهد تربیت نماید تا در اولین فرصت او را برای تصدی امور معرفی کند؛

❖ حزب می‌تواند با توجه به ابزار رسانه‌ای و تعاملی که با آحاد مختلف اجتماعی دارد، نسبت به انتخاب کارگزار اصلح در جامعه آگاهی‌بخشی نماید؛ ❖ حزب می‌تواند به نمایندگی از مردم بر کلیه کارگزاران قوای سه‌گانه در هر سطحی نقد و نظارت تخصصی نماید و حتی مواردی که به لحاظ تخصصی احصای آن برای عموم مردم میسر نیست، نتایج آن را صادقانه به اطلاع مردم برساند.

۳-۳. روحیه انقلابی و کار جهادی

اندیشمندانی که به اصالت کارگزار معتقدند، بیشترین نقش را برای فاعل شناسا قائل می‌باشند. پدیده‌های اجتماعی براینده افعال کارگزارانی است که ارزش‌ها، اعتقادات، اهداف و معنای خاصی بر افعال آن‌ها حاکم است (لیتل، ۱۳۹۷: ۶۳). آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی نوروز ۱۳۹۶ در حرم رضوی نیز، ضعف‌های موجود در کشور را مربوط به کمبودها و ناتوانی‌های

مدیرانی دانستند که در بخش‌های مختلف مشغول به کار بوده‌اند. لذا برای حل همه مشکلات کشور به‌طور قاطع سه مؤلفه «تدین»، «روحیه انقلابی» و «کارآمدی» را برای مدیران مطرح نمودند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های کارگزار در تراز انقلاب اسلامی نام برد. ایشان همه خواسته‌های ملی را اعم از امنیت و عزت ملی، سلامت و رفاه عمومی، نجات از آسیب‌های اجتماعی و پیشرفت همه‌جانبه را در گرو یک مقوله دانستند و آن هم تحقق اقتصاد قوی در کشور است. اقتصاد قوی نیز مستلزم مدیریت کارگزار است تا از «نیروی انسانی»، «سرمایه» و «ابزار کار پیشرفته» موجود در کشور برای ارتقای تولید بهره گیرد.

دولت در جمهوری اسلامی با توجه به ارثیه شوم پادشاهان اخیر ایران مبتنی بر اقتصاد عقب‌مانده، دولت رانتیر و همچنین وضعیت ناکارآمدی‌های موجود کارگزاران که موجب ضعف در برخی از حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی شده است. به‌طوری که انقلاب اسلامی که برآمده از مستضعفین و اتکای به محرومین داشت، مقلد اقتصاد سرمایه‌داری غرب و مجری برنامه صندوق بین‌المللی پول پس از جنگ تحمیلی گردید. لذا با این وجود و درک صحیح از وضعیت موجود اقتصادی در حوزه‌های مختلف ساختار، قوانین، اجرا و تولید، نیازمند به فکر، تخصص، برنامه‌ریزی و کار بیشتر از وضعیت عادی توسط کارگزار است.

بنابر این دولت در جمهوری اسلامی برای بهبود رویه و جبران سریع عقب‌ماندگی‌ها و سرانجام پیشرفت همه‌جانبه کشور؛ کارگزار در تراز دولت اسلامی را می‌طلبد که آیت‌الله خامنه‌ای راهکار اساسی برای عبور از این برهه حساس، ویژگی‌های «کار جهادی» و «روحیه انقلابی» را مطرح می‌نمایند. برای تبیین بیشتر و فهم دقیق از این اصطلاحات و چگونگی کارکرد آن، به‌طور مستقیم به بیانات زیر مراجعه می‌گردد:

«ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه بخش‌ها، کمر بسته بودن مثل یک جهادگر لازم است؛ این اگر بود، کارها راه می‌افتد؛ این اگر بود، بن‌بست‌ها باز می‌شود، شکافته می‌شود؛ [یعنی] کار فراوان، پُرحجم و باکیفیت و مجاهدانه و انقلابی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۲/۱۰).

بنابراین علی‌رغم آسیب‌شناسی کارگزار در جمهوری اسلامی، به نظر می‌رسد راهکار اساسی برون‌رفت از معضلات مترتب بر کارگزار، در کنار تخصص عمومی و خصوصی در مدیریت و کارایی در حوزه‌های مختلف، انجام کار با روحیه جهادی (به معنای کار پرحجم،

فراوان و باکیفیت) به واسطه جبران عقب ماندگی های چند صدساله است؛ زیرا شرایط موجود با کار روزانه در وقت اداری تحول یافتنی نیست و نیازمند به همت بالا و ویژگی های مذکور است.

۴. نتیجه گیری

کارگزار به عنوان اصلی ترین نهاد در پیشبرد و هدایت دولت است و اساساً مفهوم دولت را برابر با کارگزار قرار می دهند. اگر کارگزار باتدبیر و عقلانیت عمل کند، منتج به دولت مدبر و عقلانی می شود و عکس آن نیز صادق است. دولتی کارآمد است که مدیران کارآمد داشته باشد و از جمله شاخصه های کارآمدی مدیران، توانایی در تفکر و تخصص می باشد. لذا وابستگی اساسی دولت برای کارآمدی بیش از هر چیز به کارگزارانش بوده که بنا بر پژوهش جاری، مهم ترین آسیب کارگزار در جمهوری اسلامی نیز ضعف در عملکرد مدیریتی و ناکارآمدی در کارگزاران است.

آسیب در حوزه کارگزار در دو بخش کارگزاران «انتخابی» و «انتصابی» قابل تحلیل است. کارگزاران انتخابی که برآمده از رفتار انتخاباتی و فرهنگ سیاسی مردم بوده، مؤثرترین کارگزاران ارشد دولت مانند رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را شامل می شود. البته با توجه به نهادینه شدن مردم سالاری در جمهوری اسلامی که به طور کم نظیری در انتخاب کارگزاران ارشد در نظام سیاسی رجوع به آرای مردم می شود اما آسیب جدی که مبتلا به کم اثر بخشی کارگزاران انتخابی است، عدم اعتماد و باور مردم به رأی خود و اثرگذاری ابزار انتخابات برای حل مسائل کشور است.

در بخش دیگر نیز کارگزاران انتصابی اغلب ناشی از انتصاب غیر تخصصی مبتنی بر روابط خویشاوندی و ارجحیت نگاه گروهی و حزبی است. «عدم باورمندی به توان ملی»، «اشرافی گری»، «ارتجاع و برگشتن از آرمان های انقلاب اسلامی»، «نداشتن تخصص متناسب با مشاغل» و «تصدی گری مناصب با استفاده از روابط و نه صلاحیت» از جمله مهم ترین آسیب های کارگزاران دولت در جمهوری اسلامی است.

اما ویژگی های کارگزار مطلوب به عنوان راهکار عملیاتی برای نیل به دولت اسلامی عبارت اند از: تخصص لازم و مهارت مرتبط با تصدی مسئولیت پیشنهادی و قابلیت مدیریت

عمومی بر یک نهاد، سازمان و منابع انسانی آن که مستلزم کلیدواژه کار جهادی به معنای کار پر حجم و باکیفیت توسط کارگزاران است. البته ایفای نقش دو نهاد «احزاب» و «نهادهای نظارتی» را نیز در تصدی و توفیق کارگزار مطلوب در جمهوری اسلامی نباید نادیده گرفت که بسیار مؤثرند.

احزاب کارآمد می‌توانند موجب انسجام فکری در کارگزاران، آگاهی بخشی سیاسی به جامعه و از همه مهم‌تر تربیت کارگزاران متخصص، متعهد و آماده تصدی امر اداره جامعه در حوزه‌های مختلف شوند. احیای نهادهای نظارتی دولتی (مجلس، قوه قضائیه، انتظامی و امنیتی و ...) و غیردولتی (احزاب، مطبوعات، رسانه‌ها و...) نیز می‌تواند در نظارت بر کارگزار، خلأهای موجود در انتخاب یا انتصاب کارگزاران ناکارآمد در جمهوری اسلامی را تا حدودی رفع نموده و از بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات احتمالی پیشگیری نماید. البته بخش بزرگی از سازوکار لازم، توسط اصلاح قانون انتخابات مبتنی بر شرایط انتخاب شوندگان و مشارکت و مسئولیت بیشتر تحزب در به‌کارگیری و شایسته‌گزینی کارگزاران برای انتخاب مردم فراهم می‌شود.

در نهایت، مدل مفهومی زیر بر اساس متن اصلی، چهارچوب نظری، اثبات فرضیه و تعامل متغیرها به دست آمده است.



فهرست منابع

- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۶). *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی*، ترجمه سید مجید روئین‌تن، تهران، سروش.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲). *دولت رانتیر و اسلام شیعی در ایران*، ترجمه محمدتقی دلفروز، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۸۹). *نظارت بر قدرت در فقه سیاسی*، قم، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آجیلی، هادی (۱۳۹۹). *مناظره ساختار، کارگزار در روابط بین‌الملل از منظر امام خمینی (ره) و گفتمان انقلاب اسلامی*، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۴.
- آرت، هانا (۱۳۷۷). *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی.
- بلاندل، ژان (۱۳۷۸). *حکومت مقایسه‌ای*، ترجمه: علی مرشدی زاد، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بهشتی، محمدحسین (۱۳۹۰). *ماهنامه ذکر*، شماره ۶۳.
- حقیقی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳). *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: نشر ترمه.
- خط حزب‌الله، شماره ۱۲۷.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۸). *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت؛ تهران: نشر دادگستر.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲). *توسعه و تضاد*، تهران، چاپ نهم، شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۳). *دریغ است ایران که ویران شود*، تهران، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷). *بنیادهای علم سیاست*، تهران، چاپ هجدهم، نشر نی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی*، تهران، چاپ چهارم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غرالحکم.

- فاضلی، عبدالرضا (۱۳۷۷). مشارکت سیاسی و تشکل، جنبه‌های نظری و جایگاه (مجموعه مقالات)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- فیرحی، داود (۱۳۸۷). روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، تهران، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فیرحی، داود (۱۳۹۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، چاپ دهم، نشر سمت.
- قانون اساسی.
- قرآن کریم.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۷). مبانی نظری و اخلاقی جمهوریت (مجموعه مقالات)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۵). حکومت، مشروعیت و کارآمدی، سروش، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵، شماره ۸۲۵.
- لیتل، دانیل (۱۳۹۷). تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم اجتماع، تهران، صراط.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. جلد‌های ۱-۲-۳.
- نبوی، سید مرتضی (۱۳۹۴). جمهوری اسلامی و چالش‌های کارآمدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نصیرزاده، حسین؛ علیرضایی، عباس (۱۴۰۱). بررسی عاملیت ساختار و کارگزار در تحقق دولت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، پاییز، سال هشتم، شماره ۳.
- نهج البلاغه.
- theda skocpol "France, Russia, China: A Structural Analysis of Social Revolutionn." Comparative Studies in Society and History 18, 2 (1976 A).
- Walker.R.B.J. (1995), "History and Structure in the Theory of International Relations", James Der Derian (ed), International Theory: Critical Investigations, Houndmills: Macmillan, Reprinted from Millennium: Journal of International Studies, Vol. 18, No. 2.